

و اورا نهایت منت و ارادت امام ابوالقاسم شهید
سید محمد محمد بن مفضلت که گفت بعد از ادراج در
کوه جراد و عمار رسول صلی الله علیه و سلم ظهوره چشم
در آفتاب آن خلوت روزی روی بر خاک افتاده
گفتم ای از حضرت نبود ولی منی مطلم و مضامین بجا
از دوستان تو میخواهم باقی نماند که مادونت که
از میان دیم در سه کار باشد اول نبوت دوم
شهادت سوم فقر در نبوت باشد است ایام
شهادت چهارمین با فقر من شهادت خستار دوم
با اعتبار آنکه دستم چل بار فقر و جوی بهیچ وجود
محمد رسول الله علیه و سلم باید دیگر گفت صحبت
آن دوست ما که از ما طلبیده روز جمعه بود میماند
سنت و فرض که آن دوست باید در بلوی
تو نباشند و ترا اعلام کند بعد از مراجعت از سر
مبارک که بد شترای که میسریدم تا کار جمعه در آن

العالم العالم مولانا حماد بن محمد صلی الله علیه و سلم
القاضی امام استاد اهل علم مولانا سراج الدین الهمدانی
وفات ایشان در شهر سورس در ربع عشره و ثمانه مانده بود
و بهم در جانب قبله قضاء سبعة چون تربت خوبه
نزد بوش رحمه الله رفته شود در آن میان تربت صاحب
مشخوب مع لانا حماد الدین حشمتی است رحمه الله که از
قرآن مولانا شمس الابد کوری اندر جمله الله و در
جانب قبله تربت مولانا حماد الدین مزار هر انوار
فاضل امام فخر الدین بن العارف بقا خان و ابو الامام
الحسن بن منصور بن محمود بن عبدالعزیز المرعشیانی
رحمه الله المتولی لعل القضاء بجار و نواصبها کماله
والنیابة من جهة الصدرة اعظم السعید برهان ابی الکارم
عبدالعزیز صاحب العمارات و الخيرات المشهور من رفق
و از فرب رحمه الله و امام فاضل خان رحمه الله مصنف
فتاوی و جامع الکبری و جامع بصیرت و فضایل و لا

